

## بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در تحولات سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا

رضا التیامی نیا<sup>۱\*</sup>، محمودرضا علیمی<sup>۲</sup>، علی حسینی<sup>۳</sup>

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج

۲- کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

۳- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج

### چکیده

پژوهشگران مختلف تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی را بر روی بسیج توده‌ها و حرکت‌های جمعی که در طی سال‌های گذشته در خاورمیانه شاهد آن بوده‌ایم، تحلیل کرده‌اند. مسأله مهم این است که چقدر نقش آنها در تحولات سیاسی کنونی جهان عرب تعیین کننده بوده است. وائل قونیم خالق صفحه فیس‌بوک در یک مصاحبه با سی ان ان می گوید که اگر شما می خواهید یک جامعه را آزاد کنید، تنها به آنها دسترسی اینترنتی بدهید. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که رسانه‌های ارتباطی به طور عام و اینترنت و وبلاگ‌ها به طور خاص، چه تأثیری در شکل‌گیری و تداوم تحولات سیاسی و بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا داشته‌اند. فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که امروزه، پیدایش جنبش‌های نوین اجتماعی و تحولات سیاسی شمال آفریقا و خاورمیانه (۲۰۱۱) پیوند آشکاری با کارکردهای نوین رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (اینترنت، وبلاگ‌ها، توئیتر، فیس بوک و...) و بحران مشروعیت و ناکارآمدی نظام‌های سیاسی دولت‌های اقتدارطلب و تمامیت خواه عربی دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی خاورمیانه و شمال آفریقا داشته‌اند. در این تحولات، بخش اعظم محتوای تولید شده توسط نیروهای معترض و انقلابی، با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی صورت گرفت. فناوری‌های جدید ارتباطی، با مرزهای رسمی مقابله نمودند و یک صدای جایگزین به جای رسانه‌های سنتی رسمی دول عربی، که تنها سیاست‌ها و دیدگاه‌های رسمی دول عربی را منعکس می‌کنند، فراهم آوردند. روش به کار گرفته

شده در این تحقیق، کیفی و از نوع توصیفی<sup>۱</sup> تحلیلی، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. **واژه‌های کلیدی:** رسانه، عقلانیت ارتباطی، حوزه عمومی، اینترنت، وبلاگ‌ها، تحولات سیاسی.

## مقدمه و بیان مسأله

قبل از سال ۱۹۹۰، مالکیت اغلب رسانه‌ها در جهان عرب به میزان زیادی در اختیار دولت‌های عربی بود و اغلب رسانه‌ها تحت نظارت شدید دولت‌های عربی بودند. رسانه‌های عربی عمدتاً در این دوره تحت کنترل دولت‌ها بودند و مردم خود را ناگاه و بی اطلاع نگه می‌داشتند و مانع حضور و مشارکت فراگیر و موثر آنها در مباحث و جدل‌های سیاسی عقلانی می‌شدند. یک انقلاب رسانه‌ای جدید در جهان عرب بعد از سال ۱۹۹۰ به وقوع پیوست و این انقلاب تحت تاثیر ظهور تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت در جهان عرب به وقوع پیوست (khamis and sisler, 2010). در دهه ۱۹۹۰، نفوذ و تاثیر گذاری اینترنت در سرتاسر جهان عرب شروع شد اگر چه این منطقه هنوز به طور عمومی از سطح پایین اطلاعات دیجیتالی و تقسیم دیجیتالی رنج می‌برد (Abdulla, 2007, 35). در اوایل سال ۲۰۱۱، چشم جهانیان بار دیگر بر روی خاورمیانه دوخته شد و آن زمانی بود که جمعیت زیادی که شمار آنها به صدها هزار نفر می‌رسید، به خیابان‌های تونس ریختند. مردمی که در تلاشی تحسین برانگیز در پی سرنگونی و پایان دادن به عمر پادشاهی زین الدین بن علی برآمدند و سرانجام در ۱۴ ژانویه موفق به انجام این کار شدند امواج اعتراض منطقه خاورمیانه را در نوردید و در پی آن خیابان‌های قاهره در معرض خشم مردم معترض قرار گرفت. دامنه این اعتراضات به مصر محدود نشد. اگرچه در بسیاری از کشورهای

خاورمیانه بدون هیچ گونه تغییر اساسی، با بیداری اسلامی مواجه شدند، اما قیام‌های مردمی که به انقلاب‌های عربی موسوم گشت به حذف تعدادی از سران و رهبران کشورهای منطقه و سرنگونی تاج و تخت آنها منجر گشت؛ از جمله این رهبران می‌توان به مبارک پادشاه مصر، قذافی پادشاه لیبی و صالح پادشاه یمن اشاره کرد. وائل قونیم<sup>۱</sup> خالق صفحه فیس‌بوک در یک مصاحبه با سی‌ان‌ان می‌گوید که اگر شما می‌خواهید یک جامعه را آزاد کنید تنها به آنها دسترسی اینترنتی بدهید تعداد بیشماری از مردم مصر نظیر خالد سعید- جوان ۲۸ ساله از اسکندریه - سرنوشت مشابه و خوبی نداشتند. وی توسط نیروهای امنیتی مبارک در یک کافی نت دستگیر و در جلوی همان کافی نت آویزان شد و آنقدر مورد ضرب و شتم قرار گرفت تا جان سپرد. تصاویر منتشر شده در اینترنت درباره سر مورد ضرب و شتم قرار گرفته وی، بسیار دردناک بود. تصاویر نشان می‌دهد که دندان‌ش شکسته و از گوشه‌هایش خون می‌چکد و این حکایت نفرت انگیز و مخوفی از درد را به ما می‌نماید (Aarts, paul, and et all. 2013, 15).

تحلیل تاریخی به ما نشان داد که خاورمیانه در طی چند دهه گذشته عمیقاً درگیر و دار اقتدار گرایی، معضلات اقتصادی و اجتماعی، سلطه طلبی آمریکا و شکست‌های تحقیر کننده از دشمن صهیونیستی بوده است. در عین حال الگوهای چپ و راست، که برای مدت‌ها مدیدی مدعی حل این معضلات و بحران‌ها

وبلاگ‌ها، اینترنت و شبکه‌های تلویزیونی به ابزارهای بسیج سازی مردم در طول انقلاب‌ها و تحولات کنونی جهان عرب تبدیل شدند و این مهم را از طریق تحلیل نقشی که در حوزه فضای رسانه‌ای در فراهم ساختن راه برای انقلاب‌های مردمی جهان عرب در سال ۲۰۱۱ فراهم کردند و نیز از طریق پرداختن به نقش‌های چندگانه آنها در طول و بعد از انقلاب‌های عربی بررسی می‌نماید.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌شود و از جهت نوع تحقیق کاربردی محسوب می‌شود. بدین معنا که با مطالعه مدارک و نوشته‌های صاحب نظران مختلف، سعی شده است ارتباط منطقی مورد نظر شناسایی و به تحلیل این مفاهیم پرداخته شود.

### مبانی نظری پژوهش

بطور کلی، شبکه‌ها ساختارهایی بازی هستند که میتوانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را در درون خود پذیرا شوند. یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه، سیستم بسیار باز و پویایی است که بدون اینکه توازنش با تهدیدی روبرو شود توانایی نوآوری دارد. شبکه‌ها ابزار مناسبی برای فعالیت‌های مختلف هستند. برای اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر نوآوری، جهانی شدن و تراکم غیرمتمرکز؛ برای کار، کارگران و شرکت‌های متکی بر انعطاف پذیری؛ برای فرهنگ متکی بر ساخت شکنی؛ و نیز برای سازمانی اجتماعی که در پی الغای مکان و زمان است. ریخت‌شناسی شبکه، منبع سازماندهی مجدد

بودند به واسطه ناتوانی درونی و ایجاد دامنه‌های جدیدی از مشکلات، اعتبار خود را از دست داده اند. آنچه در خیزش‌های اخیر طرد و نفی می‌شوند به زبان ساده عبارتند از سکولاریسم، اقتدار گرایی، ملی گرایی، غرب گرایی، ایده سازش با غرب و اسرائیل و وضعیت اسف بار اقتصادی و اجتماعی. در مقابل نیز آنچه خواسته می‌شود عبارتند از خواست اجرای اسلام، تحقق آزادی، تحقق استقلال ملی و بازیابی کرامت جمعی، ایستادگی در مقابل سلطه طلبی و نهایتاً شکل دادن به الگویی کارآمد از مدیریت اقتصادی و اجتماعی. عده ای در تفسیرهای خود ماهیت جنبش را دموکراسی خواهانه می‌دانند، حال آنکه توجه نمی‌شود که دموکراسی خواهی جزئی از کلیتی است که اسلام و هویت انکار شده چند دهه گذشته خاورمیانه مبنای آن است. به این بیان، اسلام و تحرک برمدار آن را می‌توان به مانند کلیت و ظرفی در نظر گرفت که بیداری در متن آن شکل گرفته و نارضایتی‌های شکل گرفته از اقتدار گرایی، ناکارآمدی اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً عقب نشینی دائمی در برابر غرب و اسرائیل را در متن خود قرار داده و به صورت یک مجموعه منسجم به جهان ارائه می‌دهد (مقام معظم رهبری-خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). کاستلز معتقد است که جامعه کنونی ما پیرامون جریان‌ها تشکیل شده است. جریان‌های سرمایه، جریان‌های اطلاعات، جریان‌های تکنولوژی، جریان‌های ارتباط متقابل سازمانی، جریان‌های تصاویر، صداها و نمادها. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۷۷). مسأله مهم این است که نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در تحولات سیاسی کنونی جهان عرب تا چه میزان تعیین کننده بوده است. این پژوهش به دنبال تبیین این نکته است که چگونه رسانه‌های جدید در جهان عرب، خصوصاً

خدمت افراد، برابر بوده است.

۲. موضوع نقد و مباحثه، حوزه‌هایی است که تا آن زمان، مورد بحث و فهم قرار نگرفته بود، چون حوزه امور همگانی، قبلاً به طور انحصاری در کنترل کلیسا و دولت بود.

۳. به جهت حرکت در روندی که طی آن، محصولات فرهنگی به کالا تبدیل شدند، فرهنگ نیز به موضوع بحث عمومی تبدیل شده و به صورت طبیعی، رشد و گسترش عموم را در پی دارد (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۸).

نانسی فریزر<sup>۱</sup>، مفهوم حوزه عمومی هابرماس را به اختصار، این گونه تعریف کرده است: "این مفهوم، تاثیری را در جوامع مدرن مشخص می‌کند که در آن مشارکت سیاسی از طریق گفتگو اجرا می‌شود. حوزه عمومی، فضایی است که در آن، شهروندان در خصوص امور مشترک خود گفتگو می‌کنند و از این رو، عرصه نهادینه کنش متقابل گفتگویی است (کیویتسو، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۱۰).

از نظر تاریخی، نظریه دموکراسی گفتگویی در حال حاضر به ایستگاه نسل سوم خود رسیده است. نسل اول، شامل نظریات هنجاری یورگن هابرماس و جان راولز<sup>۲</sup> درباره مشروعیت دموکراتیک است، اما نسل دوم تلاش می‌کند تا نظریات هنجاری هابرماس و راولز را با هم ترکیب کند و آن را با دشواری‌های اجتماعی جوامع لیبرال آشتی دهد. در مجموع نسل دوم در صدد است تا نظریه دموکراسی گفتگویی را با پیشنهاد یک سلسله روش‌ها و ساختارهای قابل ملموس به شکل عملی در جوامع معاصر لیبرال منطبق کند. (Elstub, 2010: 291-307).

بنیادین روابط قدرت نیز هست. در حقیقت کلیدهایی که این شبکه‌ها را به یکدیگر متصل میکنند، ابزار ممتاز قدرت هستند (خانی‌ها و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶۲). یورگن هابرماس در کتاب دگرگونی ساختاری حوزه عمومی به تبیین پیدایش تاریخی اجتماعی افکار عمومی طبقه متوسط و بورژوا و استقلال نسبی آن از سلطنت مطلقه در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم می‌پردازد. وی حوزه عمومی یا به بیان صحیح‌تر، آنچه «حوزه عمومی بورژوایی در وهله اول قلمرویی بود که در آن افراد خصوصی گردهم می‌آمدند و «عموم» را شکل می‌دادند. آنها به تدریج توانستند حوزه عمومی تحت کنترل دولت را زیر سیطره خود در آورند و اقتدار آن را به چالش بکشند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۵۳). به عبارت دیگر، رسالت رسانه ذهنیت‌سازی، انگاره‌پردازی، گفتمان‌سازی و تولید قدرت است. در جهانی که به طور فزاینده پیچیده‌تر می‌شود و در جایی که پیشامدها و رخدادهای دوردست پُر اهمیت می‌شوند انسان سیاسی برای معنا کردن جهان به رسانه‌ها وابسته می‌شود. بر این پایه، رسانه‌ها به عنوان بخشی از ارتباطات جدید اجتماعات، هویت جوامع را شکل می‌دهند (محسنیان راد، ۱۳۸۲: ۱۳). همچنین رسانه‌ها از رهگذر انتقال ارزشها و به چالش کشاندن ایدئولوژی حاکم (لال، ۲۰۰۰: ۲۹). گسترش و انتقال اخبار و اطلاعات در جامعه و ارائه واقعیت‌ها به اشکال خاص در شکلهای به آگاهی عمومی نقش می‌آفرینند (Gurevitch et al, 1995: 78).

هابرماس برای عرصه عمومی، چند ویژگی قائل است:

۱. حمایت از روابط اجتماعی خاصی که در آنها

منزلت افراد، فاقد اهمیت بوده و فضای ایجاد شده در

1 Nancy Fraser  
2 John Rawls

انسان‌هاست که رفتار فردی و جمعی آنها را شکل داده و به آن سمت و سو می‌دهد. از طرفی برای درک یک تقابل یا رقابت ژئوپلیتیکی کافی نیست که فقط به ترسیم منافع و ادعاها بپردازیم، بلکه به خصوص باید تلاش کنیم تا ریشه‌های پیچیده، علتها و اندیشه‌های نقش‌افزینان اصلی (سران حکومت، رهبران جنبش‌های منطقه‌گرا، خودمختاری طلب و استقلال طلب) را درک کنیم. نقش اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک کلیدی است زیرا همین اندیشه‌ها هستند که اهداف را توضیح می‌دهند همانطور که داده‌های مادی، انتخاب راهبرد مناسب را تعیین می‌نمایند (لاکوسست و ژیبسن، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۲۵).

هابرماس معتقد است که برای رهایی از وضعیت سلطه و فضای اقتدار، نخست، باید حوزه عمومی دوباره بازسازی شود و این امر مستلزم تفکیک نقش‌های دولت و بخش‌های خصوصی است که در حال حاضر به نحو پیچیده‌ای در هم گره خورده‌اند. وی، سپس توصیه می‌کند که روابط قدرت، از فضای حوزه عمومی که می‌بایست فضای رقابت آزاد و غیر جبری انسان‌ها باشد، کاملاً برچیده شود، چرا که شرط مقدور شدن گفتگوی آزادانه، که محرک رسیدن انسان به آزادی است، حذف عناصر اقتدار و اجبار از عرصه گفتگو می‌باشد. با شکل‌گیری چنین محیطی، عقلانیت ارتباطی با کنار زدن عقلانیت ابزاری و راندن آن به حاشیه، فرصت گسترانیدن خصوصیات خود را در سطح جامعه پیدا می‌کند و گروه‌ها و افراد را در موقعیت ترویج ایده‌ها و نظریات خودشان قرار می‌دهد. این همان چیزی است که هابرماس از آن، به عنوان دموکراسی رایزنانه یا گفتگویی یاد

در دیدگاه هابرماس، دموکراسی رایزنانه، بر اساس عقلانیت ارتباطی بنا می‌شود و این عقلانیت جایگزین عقلانیت ابزاری می‌شود. به اعتقاد هابرماس، مدل عقلانیت ارتباطی، حاکی از بینش و گستره وسیعی از مفهوم عقلانیت است که معطوف به گفتار استدلالی است. (اوث وایت، ۱۳۸۶: ۱۰۴). هابرماس، به طور کلی سه نوع علاقه را مطرح می‌کند:

- ۱- علاقه فنی، که بوسیله آن، انسان بر نیروهای طبیعی تسلط می‌یابد و از آنها، بهره‌برداری می‌کند.
- ۲- علاقه علمی، که از طریق آن، انسان توان تغییر محیط خود را به دست می‌آورد. به علاوه، این علاقه باعث پیدایش علم هرمنوتیک می‌شود.
- ۳- علاقه رهایی‌بخش، که پیوندی ناگسستنی با زبان دارد و کنش متقابل افراد و ارتباطاتی که میان آنها شکل می‌گیرد را از انحراف دور می‌کند. (Habermas, 1972: 46)

ایولاکست، ژئوپلیتیسین معروف فرانسوی معتقد است که برای تحلیل عمیق ژئوپلیتیکی، شناخت اندیشه‌های نقش‌افزینان اصلی بسیار مهم است. زیرا هر یک از این عوامل، ترجمان روحیه و تاثیرگذار بر آن بخش از افکار عمومی است که این افراد نماینده آن هستند. وی معتقد است تنها به آن دسته از تنش و درگیری بین قدرت‌ها و ژئوپلیتیک اطلاق می‌شود که تحت تاثیر افکار عمومی و رسانه‌های گروهی صورت گرفته باشد. مهم‌ترین عامل در ژئوپلیتیک، انسان و فعالیت‌های انسانی است به طوری که ترجیحات و تفکرات انسانها می‌تواند چنان قدرتی تولید کند که قادر به انجام هرکاری باشد. این همان نقطه وصل و نسبتی است که میان افکار عمومی و ژئوپلیتیک برقرار می‌شود. زیرا از منظر بررسی قدرت‌آفرینی در عصر ما این نگرش

می‌کند (ویترز، ۱۳۸۰، ۲۱۳).

دموکراسی رایزنانه هابرماس، بر اساس عقلانیت ارتباطی بنا شده است. به اعتقاد او، مباحثه آزاد در حوزه عمومی، از انحرافات عقلانیت ابزاری، باززدایی شده و شناخت آن، بر علایق فنی قرار داده شده است. بالندگی، تعاملات و کنش‌های بازیگران اجتماعی در وضعیت آرمانی گفتار، راه نجاتی را برای انسان فراهم می‌سازد. در واقع، سلامت و صحت جامعه، در گرو گسترش و ارتقای توانایی ارتباطی بر پایه عقلانیت ارتباطی است. این مسأله، راه برون رفت انسان از جامعه ناسالم، و دگردیسی روابط انسانی، به قصد رهایی است. (هرسیچ و حاجی زاده، ۱۳۸۹: ۸۱). رسانه و امکانات ارتباطی، که چنین بستری را برای این نیروها شکل داده‌اند، خود از وجوه عقلانیت ارتباطی محسوب می‌شوند، چرا که بر پایه گفتگو و تعامل مسالمت آمیز قرار دارند. به این ترتیب، نیروهای مخالف دولت در حوزه عمومی مجازی سازمان می‌یابند و مبارزات خود علیه اقتدار و سلطه را در فضای مجازی دنبال می‌کنند. هابرماس گفتاری را مطلوب می‌داند که ضمن مفهوم بودن و داشتن قضایای منطقی، مبتنی بر صداقت باشد. در مقاله‌ای دو تن از محققان جامعه‌شناسی ارتباطات به نامهای پلازارسفلد و رابرت مرتون در سال ۱۹۶۰، تحت عنوان رسانه‌های همگانی، سلیقه عموم و اقدام اجتماعی سازمان یافته انتشار دادند در مورد چگونگی بهره‌گیری از رسانه‌ها در جامعه چند سوال اساسی مطرح کردند. آنها در مقاله خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که گروه‌های سازمان یافته و با نفوذ اقتصادی برخلاف گذشته مستقیماً از ابزار کنترل افکار عمومی استفاده نمی‌کنند و به جای آن از مکانیسم پروپاگاندا

بهره می‌برند. در حقیقت بهره‌برداری از برنامه‌های تبلیغاتی و تجاری جانشین ابزار تهدید و اجبار شده است. از نظر آنها یکی از کارکردهای رسانه‌های همگانی، قالب‌گیری کردن افکار عمومی و سازگار کردن آن با شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود است. برای روشن شدن قدرت تاثیر گذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی جا دارد به نظریه ماریپیچ سکوت شکل‌گیری افکار الیزابت نوئل-نیومن اشاره شود. نظریه حرکت ماریپیچ سکوت برای رسانه‌های همگانی در تاثیرگذاری بیش از سایر نظریه‌ها قدرت قائل است. الیزابت نوئل و نیومن اعتقاد دارد که رسانه‌های همگانی تاثیر فوق‌العاده‌ای روی افکار عمومی دارند الیزابت نوئل-نیومن معتقد است چنانچه سه ویژگی بارز ارتباط توده یعنی انباشت، حضور همه جانبه و هماهنگی با یکدیگر ترکیب شوند، قدرت زیادی تولید می‌شود که قادر است بر افکار عمومی اثر بگذارد. منظور از هماهنگی ارائه یک تصویر منسجم از یک واقعیت یا موضوعی است که درباره جزئیات و جنبه‌های مختلف آن بین روزنامه‌های مختلف، مجلات، شبکه‌های تلویزیون و سایر رسانه‌ها اتفاق نظر وجود داشته باشد. زمانی که همگان درباره یک واقعه نظر مشابه دارند انتخاب دیگری وجود نخواهد داشت در نتیجه این تصویر بدست می‌آید که اکثر مردم درباره واقعه یا موضوع مورد نظر می‌اندیشند که رسانه‌ها مطرح ساخته‌اند. حاصل دیگری که در صحنه وارد می‌شود حرکت ماریپیچی سکوت است. معمولاً مردم درباره یک موضوع داغ و مورد بحث همگان علاقمندند بدانند که نظر آنها جزء اکثریت مردم است یا نه، پس تلاش دارند تا دریابند تا چه اندازه افکار عمومی در مسیر نظر آنها در حال دگرگونی و تغییر است رسانه‌ها از نظر نوئل نقش

ارتباطات سیاسی، میان نظام‌های اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند، اما از طرق مختلفی، باعث منسجم شدن عملکرد آنها می‌شوند (راش، ۱۳۸۸، ۱۷۱).

### - الگوی مصرف رسانه‌ای و شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی

در دسته بندی شبکه‌ها می‌توان از دو منظر ماهوی و سازه‌ای به آنها نگریست. در تقسیم بندی ماهوی آن چه مهم است، اساس ارتباط بوده که خود بر دو نوع شبکه‌های رابطه‌ای و خویشاوندی است. در شبکه‌های رابطه‌ای به این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه بازیگران در قالب روابط و پیوندهای خاص سامان یافته اند اما در شبکه‌های خویشاوندی بر شباهتها و نسبت‌های نزدیکی مانند شباهتهای قومی، جغرافیایی و مذهبی تاکید می‌شود. اما از منظر سازه ای، در یک سو شبکه‌های سامان یافته و منظم قرار دارند که گره‌ها و نقاطشان به گونه ای یکسان با شمار یکسانی از همسایگان ارتباط دارند. در سوی دیگر، شبکه‌های تصادفی جای می‌گیرند که در آنها نقاط، ارتباط کاملاً تصادفی با یکدیگر داشته و برخی از آنها در همسایگی یکدیگر قرار گرفته اند. در جهان واقعیت شبکه‌های کاملاً سامان یافته و یا کاملاً تصادفی وجود ندارد و بیشتر شبکه‌ها حالتی بینابینی دارند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۸).

پیشرفت رسانه‌ها و گسترش امکانات ارتباطی در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا، با تغییر شدید الگوهای مصرف در میان مردم این مناطق همراه بود و به سمت مصرف کالاهای غربی گرایش یافتند. می‌توان گفت؛ نفوذ رسانه‌ها منجر به افزایش مصرف کالاهای جدید خارجی و سبب افزایش تقاضا

مهمی در این زمینه دارند زیرا منبعی به شمار می‌روند که مردم برای آگاهی از کیفیت توزیع افکار عمومی به آنها مراجعه می‌کنند رسانه از نظر نونل بر حرکت ماریپیچی سکوت به طرق مختلف اثر می‌گذارند رسانه‌ها با اعلام این موضوع که چه قسمتی از نظریات افکار عمومی غالب است حدسیات مردم را شکل می‌دهند و نیز رسانه‌ها این گمان را شکل می‌دهند که شخص می‌تواند نظر کدام بخش از افکار عمومی را منتشر کند بدون اینکه منزوی گردد (میانی، ۱۳۹۱: ۴۷-۵۱).

هابرماس مدعی است که تصمیمات رسمی و هنجارهای قانونی در صورتی مشروع تلقی می‌شوند، که تأثیر منطقی کلیه شهروندان کشور را در خود داشته باشند. به همین اعتبار، این حقوق بشر است که باید سیاست مشورتی را در پیش فرض‌های ارتباطی و اجتماعی، نهادینه کند. به اعتقاد هابرماس، این امر یک واقعیت است که بشر همواره خودش را در چارچوب شرایط فرهنگی بازتولید می‌کند، یعنی از طریق نوعی فرآیند خودسازی، خودش را شکل می‌دهد. در حقیقت، فرآیندهای کنده‌و‌کاو و غیره، بخشی از فرآیند جامع تر خود سازی هستند (هاو، ۱۳۸۷: ۱۵). پس، انسان صرفاً موجودی منفعل نیست که برای او برنامه‌های از پیش آماده شده‌ای مهیا شود. نه تنها قادر است بر خود اثر بگذارد، بلکه از طریق ارتباطی که با دیگران برقرار می‌کند، شرایط اجتماعی را نیز می‌تواند تغییر دهد. در نظام دموکراسی و بویژه دموکراسی گفتگویی هابرماس، ارتباطات سیاسی، اهمیت تعیین کننده‌ای در عملکرد آن دارند. چرا که مکانیزم ارتباطات، اطلاعات مناسب را به لحاظ سیاسی، از یک بخش نظام سیاسی، به بخش‌ها و قسمت‌های دیگر، انتقال می‌دهد و اگر چه خود

ولی هم اکنون تحت حمایت سعودی‌هاست. روزنامه مستقل دیگر، روزنامه طرفدار فلسطین یعنی القدس العربی بود. این روزنامه‌ها اخباری را منتشر می‌کردند که به طور عمومی صحیح بود و نوعی انتقاد گزینشی را از دولت‌ها و چهره‌های منطقه ارایه می‌دادند. الشرق الأوسط، به عنوان یک روزنامه سعودی باقی ماند. میزان تیراژ انتشار روزانه آن، حدود ۲۵۰ هزار بود و هم اکنون نیز در عربستان سعودی انتشار می‌یابد. سرمقاله آن، گرچه بازتاب دهنده اندیشه رسمی سعودی‌ها بود، اما اغلب محتوای آن، مفاهیم لیبرال بود. الشرق الأوسط پول ساز است و این تا حدودی به علت تشویق و تبلیغ رسمی از آل سعود و تشویق‌هایی است که از آنها دریافت می‌کند. شاهزاده احمد بن سلمان، فرزند فرماندار ریاض، مالک اصلی این روزنامه تا سال ۲۰۰۲ بود. (Alterman, 2004: 3-5). علاوه بر این در درون منطقه نیز رقابت‌های پیدا و پنهان قلمروخواهانه‌ای میان برخی از کشورهای منطقه نظیر، ترکیه، عربستان سعودی، مصر و رژیم اشغالگر اسرائیل، وجود داشته است. همچنین طیفی از جریان‌های فکری نظیر اخوان المسلمین، سلفی‌ها و وهابیان، النهضه و سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی نظیر القاعده، گروه‌های نظامی همچون ارتش‌های ملی و شبه نظامیان و جنگ سالاران حرفه‌ای به دنبال قلمروخواهی در منطقه‌اند (میرزاده، ۱۳۹۰: ۳۴۳). کنش ارتباطی، نظریه‌ای زبان شناختی درباره نظام‌های اجتماعی است، که در سطوح مختلف خرد و کلان، ابعاد گوناگون یک رابطه اجتماعی مطلوب را توضیح می‌دهد. این نظریه، که در ذیل یکی از حوزه‌های مختلف زبان شناختی قرار می‌گیرد، زبان را نه به عنوان سیستم معنایی یا نحوی، بلکه در حالت کاربرد در نظر می‌گیرد. در این معنا، کنش ارتباطی، نظریه‌ای

برای کالاهایی شده بود، که قبل از آن، کالاهای لوکس در نظر گرفته می‌شدند. برخی از این کالاهای وسایل برقی، لوازم زیبایی و بهداشتی و غذاهای بسته بندی شده تشکیل می‌دادند. بسیاری از مردم در جهان عرب، معتقد بودند که سبک و شیوه زندگی آنها، اخلاق و ارزش‌های آنها، در معرض هجوم فرهنگ غرب قرار گرفته بود. از نظر آنها، رسانه‌ها، زمینه این هجوم را فراهم کرده بودند. ممکن است آنها نیز، در برابر تهاجم فرهنگ غربی، از همان ابزار جهت بیان آرا و عقاید خود، و آنچه که آنها ارزش‌های سنتی می‌نامند، استفاده کنند (Alterman, 2004: 1-2).

بزرگ‌ترین نقش یا سهم فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی این است که آنها به ایجاد یک روایت یا دیدگاه از پایین به بالا در برابر رژیم‌های خودکامه کمک می‌کنند و همچنین کنترل روایت سیاسی رژیم‌های منطقه یا روایت سیاسی رسمی رژیم‌های منطقه را تضعیف می‌کنند. این به مردم عرب یا تابعان رژیم‌های خودکامه عربی این فرصت را داد تا به رویارویی با فرهنگ ترس پردازند که یک عامل مهم بی‌اعتمادی میان شهروندان عرب و اتمیزه کردن جامعه بوده است. به عبارت دیگر، اینترنت به ایجاد یک فضای عمومی کمک کرد جایی که موضوعات ستیزه جویانه می‌توانند بدون واکنش‌ها یا عکس العمل‌های فوری مورد مذاکره و تبادل نظر قرار گیرند. این فضای عمومی فضایی را برای فعالیت مدنی در جوامعی فراهم کرد که مخالفت جمعی و عمومی به ندرت تحمل می‌شود (Manrique and Mikail, 2011, 1-7).

از آن به بعد، روزنامه‌های بین‌المللی عربی در لندن ظهور یافتند که در میان آنها، روزنامه الحیات بسیار مهم بود. این روزنامه در لبنان شکل گرفت،



الگوهای مصرف، محتواهایی که مصرف می‌شوند و زمان‌های مصرف و درجه اقناع و اتکا به رسانه، همه منبع اطلاعات و معیار مهم سنجش هویت‌های مصرف کنندگان یا مخاطب‌های رسانه‌ای است. تحولات فناوری و رسانه به عنوان یک نهاد مسلط اجتماعی، همه نفوذ عوامل و نهادهای اجتماعی سنتی نظیر خانواده و دیگر عوامل جدید نظیر احزاب سیاسی را کاهش داده است. (Jamal, 2009: 32-40).

### محیط رسانه‌ای، گفتگو و آگاهی سیاسی

به باور استاد کاستلز اسپانیایی، جامعه شبکه‌ای، محصول همگرایی سه فرآیند تاریخی مستقل است. این سه فرآیند عبارتند از: انقلاب اطلاعاتی که ظهور جامعه شبکه‌ای را امکان پذیر ساخت، تجدید ساختار سرمایه داری و اقتصاد متکی به برنامه ریزی متمرکز از دهه ۱۹۸۰ میلادی. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۵). گسترش زیرساخت‌های ارتباطی و افزایش میزان دسترسی اعضای یک جامعه به رسانه‌ها و فضای مجازی، بر نیازها، مشارکت سیاسی، و تعامل شهروندان با فضای سیاسی محلی، ملی و بین‌المللی تاثیر گذار است. امروزه شهروندان کشورهای مختلف بوسیله امکانات و زیرساخت‌های فن - آوری ارتباطات بر میزان آگاهی خود می‌افزایند و به نشر و پیگیری اخبار و اطلاعات در فضای مجازی و رسانه‌های ارتباطی می‌پردازند (احمدی پور ورشیدی، ۱۳۹۰: ۱۸).

فناوری‌های نوین در عرصه رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجب شتاب و دگرگونی در ماهیت تعامل و ارتباطات جامعه بشری و همچنین ارتباط انسان با محیط پیرامون و شتاب تغییرات نهادی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده اند. در

خاص در علم بیان شمرده می‌شود. این علم مانند دانش فلسفه، فراتر از زبان یک ملت خاص کاربرد دارد. (اشرف، ۱۳۵۹: ۶-۱). روی هم رفته، در مقایسه با دموکراسی نمایندگی یا دموکراسی اکثریتی، که در آن شهروندان تنها با مد نظر قرار دادن علایق و منافع خویش رأی می‌دهند، دموکراسی گفتگویی بر اولویت بحث و گفتگو در سپهر عمومی تأکید می‌کند، که از طریق آن، شهروندان، نخست، در مورد اهمیت و نحوه نگرش به این علایق و منافع و همینطور درباره مشروعیت آنها با یکدیگر به بحث می‌پردازند و سپس تصمیم می‌گیرند که در مورد آن، چگونه رأی بدهند (Owen, 2001: 117-124).

نظریه پردازان که تحت تأثیر و نفوذ نظریه‌های ساختارگرایانه در شکل‌گیری هویت بودند، دریافتند که رسانه، نقش محوری را در ساخت هویت‌های اجتماعی و سیاسی و همچنین، تغذیه برخورداردهای اجتماعی بر عهده دارد. با درک این نکته، که رسانه‌ها و امکانات ارتباطی، محتوای اطلاعاتی مختلفی را برای مصرف کنندگان (مخاطبان) خود فراهم می‌کند، می‌توان حالتی را در نظر گرفت، که در آن، با غنی شدن و افزایش حجم محتوای سیاسی رسانه‌ای در خاورمیانه، توزیع اطلاعات سیاسی، به صورت فراگیر و سریع در میان شهروندان صورت گیرد. چنین حالتی، مصرف کنندگان را با هویتی مشابه در دایره انتقال اطلاعات قرار می‌دهد و بستر گفتگوی آزاد را شکل می‌دهد. با جمع شدن افراد و گروه‌های رسانه‌ای مختلف، تحت یک محتوای سیاسی مشخص، حوزه عمومی مجازی به شکلی عملی برقرار می‌شود. می‌توان گفت که الگوهای مصرف رسانه با جهان بینی گروهی و فردی، ملاحظات فرهنگی و منافع سیاسی، پیوستگی و ارتباط دارند.

رسانان را امکان پذیر می‌کنند. (بورن، ۱۳۷۹: ۲۷۰).  
به طور کلی، آنچه که باعث این افزایش سریع آگاهی سیاسی و اجتماعی می‌شود را می‌توان در برخی مزیت‌های فضای مجازی جستجو کرد، که عبارتند از:

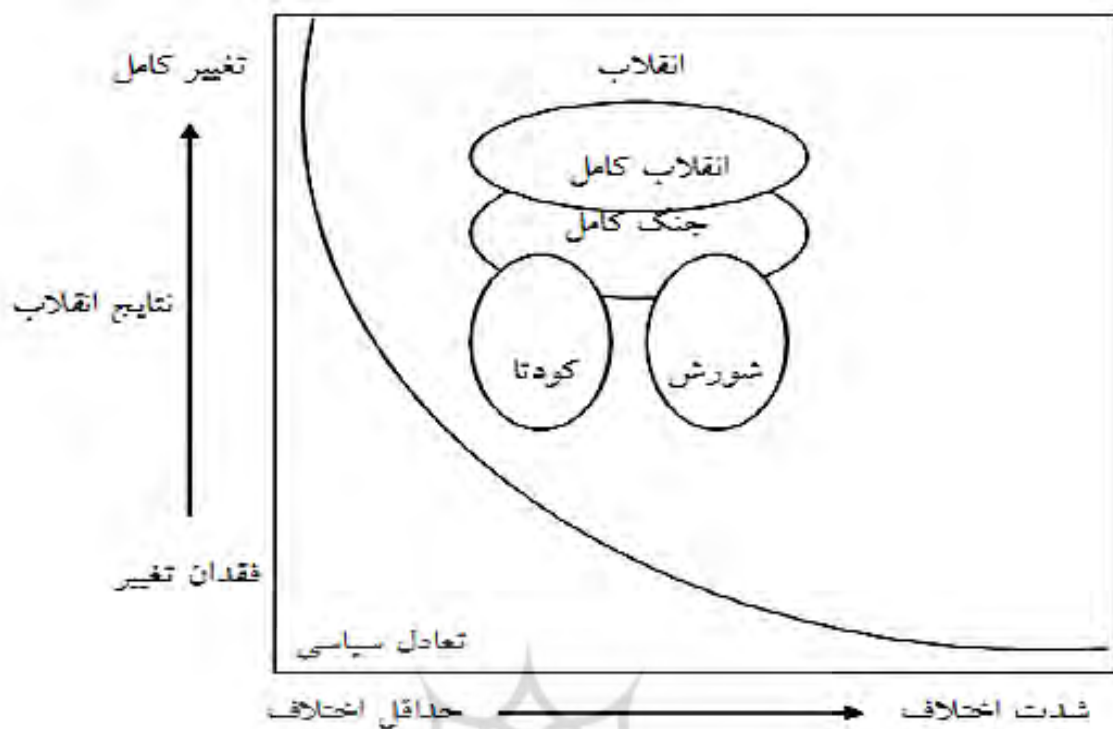
(الف) بهره‌گیری مخاطب‌ها از اطلاعات به صورت نوشتاری، تصویری و صوتی، که امکان درک سریع و عمیق آنها را از مسائل مورد بحث، بسیار افزایش می‌دهد.

(ب) دسترسی سریع و آسان شهروندان به فضای مجازی از طریق اینترنت، تلفن همراه، ماهواره و سایر امکانات ارتباطی، سبب می‌شود تا آنها بی‌درنگ وارد حوزه عمومی مجازی شوند و از آخرین حوادث و مسائل مورد بحث باخبر شوند.

(پ) امکان تبادل نظر و گفتگوی مستقیم و متقابل شهروندان در محیط رسانه‌ای، باعث می‌شود که نه تنها علایق و اهداف مشترک آنها به خوبی برای یکدیگر تبیین شود، بلکه، جمع شدن و هماهنگی آنها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز، با سرعت و سهولت بیشتری انجام می‌گیرد. بحرانهای اجتماعی که توأم با خشونت در یک نظام سیاسی باشند دگرگونی‌های عظیمی را در کل ساختار جامعه به وجود می‌آورد (Robertson, 1985). زمانیکه در بین اعضای جامعه نارضایتی شدید حاکم گردد، بحران عنوان تغییری محسوب می‌شود که مستلزم نوعی نوسازی حکومتی و نهادسازی است (سیف زاده، ۱۳۷۳: ۱۷۲).  
به طور کلی اشکال مختلف انتقال قدرت از نظمی به نظم دیگر در مدل شماره ۲ آورده شده است.

نتیجه چنین تحولی، صلاحیت و شایستگی شهروندان و میزان و ظرفیت تعامل آنها افزایش یافته و در مقابل، اقتدار دولت‌ها را به چالش کشانده است. برخلاف رسانه‌های سنتی که حکومت‌ها تا حدی توانایی کنترل آنها را داشته‌اند، رسانه‌های مجازی چون توئیتر، فیس‌بوک و... خارج از اراده کنترلی حاکمیت‌ها هستند و موجب تغییرات عمیقی در محتوی، بستر و سلسله مراتب موضوعات شده‌اند (مشیرزاده و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۲۰۷). در جنبش‌های نوین اجتماعی جستجوی جمعی برای هویت جنبه اساسی در شکل‌گیری جنبش دارد. در بسیج نیروها بر موضوعات فرهنگی و نمادین تاکید می‌شود موضوعاتی که با احساس تعلق به گروه اجتماعی متمایز از گروهی دیگر یا نظام فکری حاکم برجسته شده است و به عامل بسیج‌کننده تبدیل می‌شود و نظام فکری و فرهنگی حاکم را به چالش می‌کشاند (1989, 156, Melucci).

هسته قلمرو رسانه بر بنیاد کارکرد تصویرپردازی قرار دارد، که متأثر از آن، به باور پذیری، مفهوم‌سازی و تبیین الگوهای فکری و انسجام بخشی به نظام معنا، به منظور ارتقای سطح معرفت عمومی مبادرت می‌ورزد. (گیبیز، ۱۳۸۱: ۱۳۴). امروزه این فضای مجازی و ماهواره‌ها هستند که حاکمیت کشورها را درنوردیده و بدون توجه به حق حاکمیت سرزمینی، به بدنه جوامع شان رسوخ کرده‌اند (پرازجانی، ۱۳۹۰: ۳۳). رسانه‌ها ابزاری برای ایده‌پردازی و فرآیندی برای تفسیر ایده‌ها، اندیشه‌ها و باورها هستند، که تبادل نظر میان پیام‌گیران و پیام



مدل ۱- پیامدهای اشکال مختلف انتقال قدرت

(Tilly, 1978, 198)

کشاندن مردم به خیابان‌های کشورهای عربی نقش مهمی داشتند. اگر چه تلویزیون ملی تحت کنترل دیکتاتورهای عربی بود و از دسترس مردم معترض خارج بود اما وبها و شبکه‌های اجتماعی این امکان را برای مردم فراهم ساخت تا خیلی سریع با هم ارتباط برقرار کنند و مقادیر زیادی از اطلاعات را به یکدیگر منتقل نمایند. آموزش وبلاگ نویسان و معترضان سایبری نه تنها شامل ارتقای مهارت و تسلط بر ابزارهایی چون اینترنت در توزیع اطلاعات می‌شد، بلکه مهارت در کسب یک حالت روانی و محاسبه اهداف اصلی جنبش‌های اعتراضی را نیز در برمی گرفت. واکنش اولیه اغلب دولت‌های مستبد عربی اعم از بن علی تا مبارک و ال خلیفه این بود که اسلام‌گرایان را متهم به ایجاد اختلال و ناآرامی کردند. در حالی که به طور همزمان دسترسی به

یکی بارزترین مصداق‌های ژئوپلیتیک رسانه در اورپای خاوری در قالب جنبش‌هایی اجتماعی موسوم به انقلاب رنگی رخ داد. انقلاب رنگی یا مخملی نوعی دگرگونی بدون خونریزی و براندازی به روش غیر خشونت آمیز بود که بخش عمده فرآیند سرنگون کردن حاکمیت و جابجایی قدرت در کشورهای یاد شده به وسیله تحرکات سیاسی رسانه ای انجام شد. همه انقلاب‌های رنگین طی راهپیمایی خیابانی و با نقش محوری رسانه‌های مخالف دولت مستقر و رسانه‌های خارجی به پیروزی رسیدند (دال، ۱۳۷۹: ۶۷).

#### حوزه عمومی مجازی و عملیاتی سازی مخالفت‌ها

ابزارهای سنتی و جدید ارتباطات منجمله اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، موبایل و تلفن در

تحولات جنبش‌های اعتراضی در خیابان‌ها را به طور زنده گزارش داد از جمله به پخش توضیحات و نظرات شاهدان عینی و سخنان مردم معترض در خیابان‌ها و سرکوب آنها توسط پلیس می‌پرداخت (RAMADAN, ۲۰۱۲, ۴۹-۴۵). بخش عمده‌ای از سازماندهی رخداد‌های مربوط به جنبش‌های اسلامی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به شکل اعلامیه، فراخوان، اخبار، اطلاعات جنبش، چگونگی وضعیت نیروهای انقلابی و نیروهای دولتی، موقعیت‌های جغرافیایی<sup>۱</sup> ارتباطی و پیام‌ها صورت گرفت. برای نمونه، در یکی از شبکه‌های مجازی، صفحه‌ای با عنوان "پروژه آماده سازی هوایما برای هر رئیس جمهور" برپا شده بود، که طعنه‌ای به رهبران دیکتاتور کشورهای عرب به شمار می‌آمد. ابزارهای رسانه‌ای توسط انقلابیون مورد استفاده قرار گرفت. انقلابیون با بهره‌گیری از رسانه‌های مختلف، توانستند اهداف خود را به خوبی شناسایی کنند. در مصر، جوانی به نام خالد سعید، اقدام به حادثه‌ای مشابه خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس کرد و زمینه شکل‌گیری اعتراض‌های مردمی را فراهم کرد. خالد سعید یک تاجر جوان در اسکندریه بود که ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ به علت نپرداختن پول به دو مأمور مصری، در یک کافی نت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بر اثر جراحات وارده کشته شد. اتهام او پخش فیلمی از فساد پلیس بر روی اینترنت بود. در این باره صفحه‌ای در شبکه‌های مجازی به یاد وی، با شعار ما همه خالد سعید هستیم، توسط شخصی به نام الشهد که هیچکدام از فعالان مصری از هویت واقعی او اطلاعی نداشتند، ایجاد شد که به رغم اختلال در شبکه اینترنت مصر، بیش از ۳۷۵ هزار نفر را به خود جلب کرد و نخستین اعلام همگانی برای

اینترنت را برای شهروندان خود قطع کردند. در مصر این عمل دولت نتیجه معکوس گرفت. وبلاگ نویسان با کمک گوگل توانستند تلاش‌های دولت برای ساکت کردن آنها را خنثی نمایند شرکت چند ملیتی بریتانیا از طرف دیگر در ابتدا از معترضین حمایتی نکرد و مرتباً به مردم پیام می‌داد که به خانه‌های خود برگردند. تاثیر اینترنت بر بسیج توده‌ها مستلزم ارزیابی دقیق است. صدها و هزاران نفر از این طریق به پوشش رویدادها پرداختند. در نهایت اگرچه مردم معترض دولت‌های عربی با زور واکنش ندادند آنها از رسانه‌های سنتی و جدید استفاده کردند و این رسانه‌ها احساسات عمومی آنها را تشدید کرد. اعداد گویای این مسأله است: تنها چهار درصد لیبی‌ها به اینترنت دسترسی داشتند و در مقابل تونس‌ها حدود ۳۶ درصد به اینترنت دسترسی داشتند. طبقه آموزش دیده مصری (۳۰ درصد) از وبسایتها استفاده کردند و نیز از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمودند و فیلم‌ها و آواردها<sup>۱</sup> در مطالعه خود درباره فناوری‌های اطلاعات دیجیتال، دیکتاتوری‌ها و اسلام سیاسی، نشان می‌دهد که کانال‌های تلویزیونی خبری که بیست و چهار ساعته به پخش برنامه‌های خود می‌پرداختند از جمله الجزیره (پخش اخبار به عربی و انگلیسی) نقش حیاتی در بسیج توده‌ها داشتند. این شبکه تلویزیونی بیش از ۴۰ میلیون مخاطب و بیننده در جهان عرب داشتند و توسط زنان و مردان زیادی تماشا می‌شد و می‌دیدند که این شبکه اخبار و اطلاعات مجانی و متفاوت از اخبار رسمی رژیم‌های مستبد عربی پخش می‌کند. این شبکه با پخش اخبار به دو زبان عربی و انگلیسی به طور زنده اقدامات و

کشورهای عربی نشان دادند که باعث افزایش توجه محلی و بین‌المللی به بی‌رحمی‌ها و استبدادهای رژیمهای عربی شد. صفحات فیس‌بوک با تصاویر دلخراشی اجساد خونینی پر شده بود که این به یک ویژگی و پدیده رایج در طی بهار عربی سال ۲۰۱۱ تبدیل شد. ویدئوهای گرفته شده توسط دوربینهای موبایل در یوتیوب با تمرکز بر برخوردهای خشن دولت و نیروهای امنیتی عربی به یک ویژگی فراگیر پوشش رسانه‌های جمعی تبدیل شد. رسانه‌ها همچنین چشم‌انداز کنش جمعی را با افزایش هزینه‌های سرکوب برای رژیمهای اقتدارطلب و تمامیت خواه خصوصا با مستند سازی درباره خشونتها و قساوتهای رژیمهای عربی و جلب توجه بین‌المللی بالا بردند. رسانه‌های اجتماعی در خاورمیانه یک زیرساخت قوی برای عمومی سازی و انتشار ویدئوهای عمومی درباره بدرفتاری پلیس و اعتراضات توسعه دادند. در حقیقت دوربین‌های الجزیره و فعالان رسانه‌ای، فیلمهای سبعت و بی‌رحمی پلیس را در یوتیوب بارگذاری کرد و این کار مهمی بود زیرا برخی از رژیم‌های عربی را از ارتکاب و تداوم بدرفتاری خود از ترس انتشار آنها در قالب فیلم توسط رسانه‌ها، برحذر ساخت (Lynch, 2014, 93-99).

حضور در روز جمعه خشم بر روی صفحه شبکه مجازی اعلام شد. (<http://goftomanedini.com/showthread.php>). فناوری‌های اطلاعاتی جدید در پیشبرد فرم‌های اعتراض و گفتمان در سرتاسر فضای سیاسی کشورهای عربی موفق بوده اند خواه اعتراضات بر علیه جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ باشد یا اعتراضات توده‌ای برای تغییر در سال ۲۰۱۱ باشد. فضای سیاسی متحد تر عربی همچنین پویایی‌های متمایز پخش و سرایت را خلق نمود. از این رو امواج انقلابی مصر تحت تاثیر پوشش سنگین انقلاب تونس دنبال شد و این به وضوح باورهای اعتراض کنندگان به احتمال پیروزی را تغییر داد تا این که اعتراضات و معترضان فیس‌بوک در ۲۵ ژانویه موفق شدند جایی که تلاشهای متعدد اولیه در سازماندهی چنین اعتراضی ناکام ماند. در هر کشور عربی، معترضین زبان مشابه و روشهای اعتراضی مشابهی را برگزیدند و برای دوربینهای الجزیره تلاش و رقابت کردند. شواهد در دسترس نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجهی از محتوای رسانه‌های اجتماعی مربوط به این قیامهای در بیرون از کشورهایی که اعتراضات جاری بود مصرف می‌شد. رسانه‌ها نقش مهمی را برای تصویر برداری و نشان دادن ویدئوها و تصاویر درباره خشونت دولت‌ها و نیروهای امنیتی

جدول ۱- جمعیت و نرخ بیکاری جمعیت جوان کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه

شمال آفریقا و خاورمیانه	جمعیت جوان (۱۰۰۰ نفر)			درصد جوانان به جمعیت			نرخ بیکاری در میان جوانان (۲۰۰۵)	
	۱۹۸۵	۲۰۰۵	۲۰۲۵	۱۹۸۵	۲۰۰۵	۲۰۲۵	مرد	زن
	۵۲۴۰۱	۸۷۵۸۴	۹۴۶۴۷	۲۰	۲۱	۱۷	۲۳	۳۳
الجزیره	۴۴۶۹	۷۴۲۴	۶۴۶۸	۲۰	۲۳	۱۵	۴۳	۴۶
بحرین	۶۷	۱۱۰	۱۳۲	۱۶	۱۵	۱۴	۱۷	۲۷
مصر	۹۲۹۲	۱۵۳۳۲	۱۷۸۶۲	۱۹	۲۱	۱۸	۲۱	۴۰
ایران	۹۲۴۹	۱۷۶۲۹	۱۲۸۶۴	۱۹	۲۵	۱۴	۲۰	۳۲
عراق	۳۳۳۵	۵۸۰۹	۸۶۲۷	۲۰	۲۰	۱۹	-	-
اردن	۵۵۸	۱۱۳۹	۱۴۶۲	۲۱	۲۰	۱۸	۲۸	۵۰
کویت	۲۹۶	۴۱۵	۵۵۹	۱۷	۱۵	۱۴	۱۶	۸
لبنان	۵۶۴	۶۵۷	۶۳۴	۲۰	۱۸	۱۵	۲۴	۱۴
لیبی	۶۸۲	۱۳۱۸	۱۳۲۶	۱۸	۲۳	۱۷	-	-
مراکش	۴۴۴۷	۶۴۷۹	۶۶۷۳	۲۰	۱۸	۱۷	۱۷	۱۶
عمان	۲۶۲	۵۳۸	۶۲۷	۱۷	۲۱	۱۷	-	-
قطر	۵۵	۱۱۲	۱۴۸	۱۵	۱۴	۱۳	۸	۳۰
عربستان	۲۴۹۲	۴۵۴۸	۶۴۷۵	۱۹	۱۹	۱۷	۲۵	۳۹
سوریه	۲۱۲۳	۴۳۶۹	۵۱۷۶	۲۰	۲۳	۱۸	۱۶	۳۶
تونس	۱۵۳۰	۲۰۹۸	۱۶۱۴	۲۱	۲۱	۱۳	۳۱	۲۹
ترکیه	۱۰۴۵۰	۱۳۴۹۶	۱۴۱۷۲	۲۰	۱۸	۱۶	۱۹	۱۹
امارات	۲۰۶	۷۸۳	۹۰۴	۱۵	۱۷	۱۴	۶	۶
یمن	۱۹۶۶	۴۴۹۷	۷۵۹۴	۲۰	۲۱	۲۰	۲۱	۱۴

Sources: (United Nations, World Population Prospects: The Revision, 2006)

یکی دیگر از عوامل نارضایتی و وقوع انقلاب‌ها در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه، میزان بالای فساد بین مسئولان و نهادهای دولتی این کشورها بوده است. جدول شماره ۳ به روایت امار وضعیت فوق را نشان می‌دهد.

جدول ۲- شاخص فساد و رتبه جهانی کشورهای یادشده

کشور	شاخص فساد	رتبه جهانی شفافیت
بحرین	۶/۳-۵/۳	۳۶
تونس	۵/۶-۳/۹	۵۱
مصر	۳/۷-۳	۷۰
سوریه	۳/۲-۲/۳	۹۳
لیبی	۳/۲-۲/۴	۱۰۵
یمن	۳/۲-۲/۴	۱۱۱

Sours: www.cia.gov

## گسترش محیط رسانه‌ای و کاهش اقتدار دولت‌های خاورمیانه

جهان عرب در اوایل دهه ۱۹۹۰، شروع به استفاده از اینترنت به عنوان یک منبع جدید اخبار موثر و معتبر نمود. اینترنت یک توان و پتانسیل رهایی بخشی و توانمندسازی در جوامع عربی دارد و علت آن هم توانایی آن برای مبارزه با مرزهای مختلف (محدودیتها) و نیز عرضه یک صدای جایگزین به جای رسانه‌های سنتی و نیز توانایی آن در به چالش کشاندن رژیمهای تمامیت خواه و مستبد از طریق مقاومت در برابر سانسور دولتی است. از زمان معرفی و ظهور اینترنت در جهان عرب، تعداد اعرابی که دارای دسترسی اینترنتی هستند هر سال دوبرابر شده است. در آوریل سال ۲۰۰۷ گزارش شده است که بیش از ۲۰ میلیون نفر از اعراب از اینترنت استفاده می‌کردند. این دسترسی به دنیای سایبر یک امکان یا محلی را برای میلیونها نفر از مردم عرب فراهم کرده تا ایده‌ها و افکار خود را که توسط دولت در رسانه‌های سنتی سانسور می‌شد را بیان کنند (Khalid, 2007). این تعداد سالانه و پیوسته رو به افزایش بوده است. در حقیقت بین ۴۰ تا ۴۵ میلیون کاربر اینترنت که در ۱۶ کشور عربی در اواخر سال

۲۰۰۹ مورد بررسی قرار گرفتند از جمله افراد دارای ملیتهای عربی و افراد غیرعرب زبان در جهان عرب (بر طبق گروه مشاوران عرب). گزارش دانش عربی در سال ۲۰۰۹ تعداد کاربران اینترنتی عرب زبان را ۶۰ میلیون نفر ذکر کرده است و برآورد شده تعداد کاربران عرب زبان اینترنتی در سال ۲۰۱۵ یکصد میلیون نفر باشد (ghannam, 2011, 4). اما همچنان اعراب از بی سوادى زیاد و زیرساختهای ضعیف رنج می‌برند. فعالان سایبری جوان عربی نقش مهمی در تحریک و ظهور بیداری عربی یا بیداری اسلامی داشتند رسانه‌های اجتماعی در این تحولات نقش حیاتی را از طریق بسیج سازی، سازمان دهی و هماهنگی بین معترضان ایفا نمودند به عبارت دیگر همانند فرهنگهای غربی، استفاده از اینترنت به سبک و رویه زندگی برای جوانان، اعراب فرهیخته یا باسواد تبدیل شد و آنها اینترنت را برای دستیابی به اهداف و ارزوها و ارمانهای سیاسی خود مورد استفاده قرار دادند. اینترنت توانست یک جامعه جهانی را در جهان عرب ایجاد کند که هیچ رسانه دیگری قبلا نتوانست و به علت ظرفیت آن برای کاهش مرزها و محدودیتهای ملی و بین المللی توانست چنین توفیقی داشته باشد. اینترنت یک جامعه جهانی را ایجاد

که توسط مردم در مارس سال ۲۰۰۲، در واکنش به تصرف و اشغال مجدد بخش‌هایی از ساحل غربی رود اردن توسط اسرائیل درگرفت، منجر به شکل‌گیری چند حمله به سفارت ایالات متحده شد. (Bensahel and Byman, 2004: 226).

به واسطه فعالیت رسانه‌های بین‌المللی و تبلیغات آنها، بسیاری از مردم در کشورهای عربی، خواستار تقاضای زندگی با استانداردهای بهتر از دولت‌های خود هستند. وقتی تلویزیون‌های ماهواره‌ای و ویدئوکاست‌ها، با نمایش نمونه‌های روشنی از رفاه مادی و ثروت مادی، سبب شده‌اند تا اعراب به شدت دولت‌های خود را مورد سرزنش قرار داده و خواهان زندگی بهتر، در جهان مرفه امروز شوند. پرسش اصلی آنها این است که؛ چرا جهان عرب از چنین امکانی برخوردار نیست. دولت‌های منطقه شامات و شمال آفریقا، فاقد توانایی برای همکاری و کنترل شهروندان خود، از طریق پول و رفاه مادی هستند (کاری که عربستان، قطر و کویت می‌کنند). آنها کنترل محیط رسانه را از دست داده‌اند و به طور متوالی در حال از دست دادن توانایی کنترل و نظارت بر جامعه هستند. در چنین وضعیتی، ممکن است رژیم‌هایی که در گذشته کمتر به سرکوب متکی بودند، احساس کنند که مجبورند برای کنترل جامعه از سرکوب بیشتری استفاده کنند - Doran, 2011: 1- (3). جنبه دیگر فناوری‌های ارتباطی این است که آنها پیوند میان فرم‌های جدید و سنتی فعالیت و عمل‌گرایی شدید را تسهیل نمودند (میکائیل و مانریک). از طریق به روز رسانی اطلاعات در تویتر و فیس‌بوک، مردم آگاهی کسب کردند که چه اتفاق افتاده و چه چیزی در حال اتفاق افتادن است و اینکه چه چیزی اتفاق خواهد افتاد. این ویژگی خصوصاً

کرد و فضایی را برای ادغام و سیعتر جامعه عربی به درون جامعه جهانی فراهم نمود (Seib, 2004, 81) و باعث شد صدای اعراب توسط مخاطبان بین‌المللی شنیده شود و اعراب سرتاسر جهان توانستند اخباری مربوط به جهان عرب به راحتی بدست آورند و عمدتاً به کمک اینترنت توانستند چنین موفقیتی داشته باشند. برای اعراب سرتاسر جهان اینترنت به طور واقعی می‌تواند یک دهکده جهانی عربی ایجاد و فراهم نماید (Khazen, 1999). از این رو می‌توان مطمئن بود و فرض کرد که ظهور و دسترسی به اینترنت درها را باز کرد و گستره و نقش حوزه عمومی را توسعه داد و آن را برای همه در دسترس ساخت. از آنجا که اینترنت ثابت شده که به طور کامل قابل سانسور کردن نیست آن به عنوان یک تسهیلگر و واسطه برای تغییر تبدیل شد و این محقق شد و دگرگونی‌های شدیدی در جهان عرب رخ داد (el-nawawy and khamis, 2014, 87-143).

گسترش محیط رسانه‌ای و انتشار سریع و گسترده اطلاعات در آن، برای دولت‌های عرب، از دست رفتن برخی از مزایا یا امتیازات سنتی آنها در حوزه عمومی را به همراه داشته است. در حالی که دولت‌ها همچنان به عنوان نیروی قدرتمند در اغلب کشورهای باقی می‌مانند، اما انقلاب اطلاعات چالش‌های جدیدی برای سلطه و اقتدار دولت‌ها ایجاد کرده و حوزه وسیع تری از کنش‌های اجتماعی را از کنترل، نفوذ و حتی آگاهی دولت خارج می‌کند. رهبران عرب، هیچ آگاهی و دانشی از فوران خشم مردم در اکتبر سال ۲۰۰۰، نداشتند. وقتی اعتراض کنندگان به خیابان‌ها ریختند، نه تنها در قاهره، بلکه در منطقه خلیج فارس نیز، دولت‌ها مجبور شدند حساسیت‌های مردمی خود را کاهش دهند. اعتراض‌های بی‌سابقه‌ای



اسلامی بود. سیاستهای آنها (شبکه الجزیره) همیشه روشن و واضح نیست به عبارتی اهداف ان روشن نیست اما در برخی دوره‌ها کاملاً واضح و روشن است. تنها در این شیوه است که مردم می‌توانند ازادیه‌ها و خودمختاری واقعی را بدست آورند و نیز رسانه‌ها با در نظر گرفتن و تلاش برای تحقق منافع مردم و نه منافع خود و اربابان خود می‌توانند به تحقق ازادیه‌های واقعی مردم در جهان اسلام کمک کنند و مردم جهان را ازاد سازند. جنبش‌های مردمی در جهان عرب قبل ظهور این عناصر و مولفه‌های غیرمنتظره، انگیزش و ضربه ناگهانی توسط مردم را پیش بینی کرده بودند که نه قدرتهای حاکم عربی و نه رسانه‌های آنها نمی‌توانستند پیش بینی کنند (۴۵-۴۹، ۲۰۱۲، RAMADAN). رسانه اجتماعی نیروی اصلی پیش برنده و پشتیبان توانایی جامعه مدنی برای تحریک مشارکت سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است این به طور ویژه درباره کشوری مانند مصر صدق می‌کند جایی که اینترنت و وبلاگ نویسی به فعالان سیاسی نظیر عبدال منام محمود اجازه داد تا دیدگاههای خودشان را بیان کنند و محدودیتهای حاکم بر حقوق بشر توسط رژیم مبارک را نشان دهند. محمود در مصاحبه خود در سال ۲۰۰۹ با مولفان این اثر می‌گوید: آنچه ما در مصر داریم دموکراسی نیست بلکه حاشیه ازادی است که ما داریم. وبلاگ‌ها به طور کل به افزایش آگاهی‌های سیاسی مردم و افراد جوان کمک کرده اند. قبل از سال ۲۰۰۵، اغلب فعالان سیاسی در مصر در سن پنجاه یا شصت سالگی بودند اما امروز می‌بینیم افرادی جوان در سن بیست سالگی علاقمند به فعالیت سیاسی هستند من فکر می‌کنم که وبلاگ‌ها نقش مهمی را در این زمینه داشتند. وبلگ من اعضای جوان اخوان

باتوجه به ایده تبدیل غیرجنبش‌ها و افراد منفعل به شهروندان فعال بسیار جالب است. قبل از بیداری اسلامی، بیات قبلاً یادآوری کرده بود که: فناوری جدید اطلاعات به خصوص سایت‌های شبکه اجتماعی مثل فیس‌بوک، فضای فیزیکی که یک واسطه است را از طریق پیوند دادن افراد مختلف و پراکنده در دنیای وب پشت سر گذاردند و از این طریق فرصت‌های بسیار زیادی را برای ساختن شبکه‌های منفعل و نیز شبکه‌های فعال ایجاد نمودند (Aarts, paul, and et all. 2013,86).

تاثیر شبکه الجزیره بر قیام مردم در تونس و مصر چشمگیر بود. پوشش حوادث تونس توسط این شبکه نسبت به پوشش خبری سایر شبکه‌های جهانی نظیر cnn و bbc و سایر خبرگزاریهای غربی بیشتر بود. این شبکه توانسته بود سرویس انگلیسی زبان خود را با رعایت استاندارد زبان عربی ایجاد کند و دقیقه به دقیقه رویدادها و حوادث مصر را گزارش می‌داد. روزنامه نگار گاردین در یک مقاله مفصل تبیین می‌کند که بیداری اسلامی برای الجزیره عربی مانند جنگ اول خلیج فارس در اوایل دهه ۱۹۹۰ برای سی ان ان بود. وی می‌گوید اوباما و هیلاری کلینتون منبع اصلی اطلاعات و اخبار آنها همین شبکه الجزیره قطر بود. در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۱، الجزیره توسط وزارت اطلاعات مصر مسدود شد و با این وجود این شبکه نقش مهمی را در موفقیت قیام مردم مصر بازی کرد. ایمن محی الدین در قاهره در فوریه ۲۰۱۱ دستگیر شد وی خبرنگار شبکه الجزیره بود. و اخبار را به گونه‌ای پوشش می‌داد که به طور آشکار به نفع و در جهت حمایت قیام مردم بود. پوشش خبری الجزیره اعتراض دولت‌های بحرین، سوریه و مصر را برانگیخت. الجزیره یکی از محرکهای اصلی بیداری

المسلمین را تشویق نمود تا اظهار نظر و اظهار وجود آزادانه تر و آشکارتری و نرم تری داشته باشند. همچنین دیگر اعضای اخوان المسلمین را تشویق کرد تا هویت‌های خود را به عنوان اعضای اخوان المسلمین متجلی نمایند. همچنین این وبلاگ نقد سازنده را برای بهبود و تقویت برادری تشویق نمود. به من باور دارم که وبلاگ من به تغییر برخی از ایدئولوژی‌های قدیمی که در درون جنبش برادری یا اخوت حاکم بود کمک کرد. برای مثال ما عداوت داشتیم که باور کنیم که همه چپ‌گرایان کافر هستند، اما حالا به مدد وبلاگ من و دیگر وبلاگ‌ها که توسط اعضای جنبش برادری (اخوان المسلمین) آغاز شده است ما ایده‌هایمان را آنلاین به گونه‌ای بیان می‌کنیم که این یخ را آب کرد و راه را برای ما جهت ورود و مشارکت در گفتگوی سازنده با افراد جریان‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف فراهم نمود. همچنین من باور ندارم که وبلاگ نویسی یا وبلاگ کاری، باعث توقف شکنجه در زندانها نشد اما حداقل دولت را مجبور ساخت تا در برابر اقدامات خود پاسخگو تر باشد چون دولت می‌ترسید که فعالان اینترنتی و وبلاگ نویسان ممکن بود بر این فعالیت‌ها و اقدامات دولت نظارت کنند و درباره آنها مطلب بنویسند. اینترنت و وبلاگ نویسی محل و مفری را برای بیان صداهای سرکوب شده نظیر صداهای سرکوب شده اعضای اخوان المسلمین (توسط حکومت مبارک سرکوب شده بودند) فراهم نمود (York, 2012,35-36). .

زیانی<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) معتقد است که اینترنت احساس انزوا و تنهایی را از بین برد و بسیاری از افراد را قادر ساخت تا بخشی یا عضوی از انقلاب اطلاعاتی باشند

و بر امواج جهانی شدن سوار شوند. اینترنت، یک فضای جایگزینی برای حضور و مشارکت و آزادی نسبی در یک محیط خفه کننده‌ای بود که ویژگی آن کنترل و سانسور شدید بود. بر طبق نظر زیانی، رسانه‌های اجتماعی اجزای یکپارچه تحولات یا پویایی‌های روبه تکامل بودند که در آنها مشارکت سیاسی درمیان نسل جوان ظاهراً سیاست زده مجدداً احیا و بازتولید شد. همینطور فضا و شرایط کنش سیاسی در عصر رسانه‌های جمعی بازپیکربندی شد (Zayani, 2011,2-3).

در همین راستا، یورک<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) معتقد است که وبلاگ‌ها به اعراب معمولی اجازه دادند تا مجدداً در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند، مهارت‌های بحث و تحلیل و استدلال ورزی خود را صیقل دهند و خطوط قرمز دولت ساخته که اغلب رسانه‌های مستقل عربی مجبور بودند به رسمیت بشناسد را پشت سر گذاشتند و عبور کنند (York, 2012,35-36). این حضور و مشارکت سیاسی رسانه‌های جمعی و وبلاگ‌ها و فعالان رسانه‌ای بود که مردم خاموش و ساکت را بیدار ساخت (در طی یک دهه) و بذره‌های موفقیت انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر را رقم زد. آنها نمونه‌های واقعی از موارد سبعیت، نقض حقوق بشر و محدودیت‌های دیگر را از طریق فایل‌های ضبط شده صدا و فیلم ویدئویی و تصاویر به مردم عرب و جهانیان نشان دادند و داده‌ها و حقایق مورد نیاز برای افزایش و بالابردن آگاهی‌های سیاسی درباره این معضلات را در سطح محلی و جهانی عرضه نمودند (el-nawawy and khamis, 2014,87-143).

فضای سایبری، منجر به ایجاد حیات سیاسی آزادتری می‌شود، که تشکیل گروه‌های اپوزیسیون را تسهیل می‌کند. به واسطه اینترنت، نارضایتی‌ها و شکایت‌های مردم پخش می‌شوند، ائتلاف‌ها و دستورالعمل‌ها هماهنگ می‌شوند، و نمادها گسترش وسیعی می‌یابند. در روزهایی که هنوز تصاویر اعدام خالد سعید در اینترنت منتشر نشده بود، شکنجه و مرگ وی مورد بی توجهی عموم افراد جامعه قرار گرفته بود. مقامات محلی، سعی در مخفی کردن این امر داشتند و رسانه‌های کابلی منطقه نیز، در خصوص این اتفاق، سکوت اختیار کرده بودند. اما این وضعیت پایدار نماند و شخصی به نام وائیل قونیم، از اینترنت برای دور زدن این سانسور استفاده کرد. وی به تأثیر قدرت عاطفی و طنین سیاسی ماجرای قتل خالد سعید و انتشار آن بر روی اینترنت پی برده بود. قونیم توانست این خبر را با امنیت کامل در امارات متحده عربی و به دور از دسترس پلیس مخفی مصر، منتشر کند. با انتشار خبر کشته شدن ناجوانمردانه خالد سعید، وی به یک نماد مخالفت علیه نظام سیاسی اقتدارگرایی مصر تبدیل شد. در اسکندریه و سراسر مصر، معترض‌ها در حالی که تصویر خالد سعید را در دست داشتند، به خیابان‌ها آمدند. با توسل به اینترنت، نمادهای مشابه سرکوب، به طور همزمان در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به نمایش گذاشته شدند. رسانه‌ها با ایجاد یا تأسیس فرهنگ مخالفت و اپوزیسیون، معیار و سنجش دیگری از پاسخگویی را وارد حیات سیاسی اعراب نمودند (Doran, 2011: 3-4). قطعا این انقلاب‌ها با توجه به حذف برخی از مستبدان منطقه، تحول و محیط جدیدی در منطقه

ایجاد کرده اند که با گذشته متفاوت است. قیام‌ها و انقلاب‌های عربی (بیداری اسلامی) داستان تحسین برانگیز و جالبی درباره اراده انسانی و چگونگی غلبه اراده انسانی بر ترس به ما عرضه می‌دارند (Aarts, paul, and et all. 2013,86-87). ویژگی این انقلاب‌ها و تحولات کنونی جهانی عرب استفاده از رسانه‌های اجتماعی نظیر فیس بوک، توئیتر، یوتیوب و پیام دهی متنی توسط معترضان برای دستیابی به اهداف عملی نظیر شبکه بندی گروهی، سازماندهی و ارائه مشورت یا مشاوره عملی درباره اینکه چگونه بر علیه بی رحمی و سبعت پلیس مقابله کنند و از دستگیر شدن اجتناب ورزند. هر نوع از رسانه‌های اجتماعی در جهان عرب نقش متفاوتی را با توجه به ماهیت و کارکرد آن ایفا کردند. برای مثال شبکه‌های اجتماعی وظیفه سازماندهی معترضان را انجام دادند و بهتر از همه در این عرصه فیس بوک عمل کرد. چون از طریق فیس بوک اطلاعات امکان پخش و گسترش آن به هزاران نفر از مردم وجود داشت و این اطلاعات در کمترین زمان ممکن بین افراد و دوستانشان پخش شد و سرعت پخش آنها از اعلامیه‌ها بیشتر بود و افرادی که این پیامها را دریافت می‌کردند، بسیار علاقمند بودند و به منبع خبر نیز اعتماد داشتند (idle and nuns,2011,20). به طور کلی، حوزه عمومی مجازی، در تحولات سیاسی جوامع عربی خاورمیانه یا همان بیداری اسلامی، مراحل زیر را سبب شده است:

- الف) ایجاد بستر مناسب برای گفتگو و ارتباطات متقابل
- ب) افزایش آگاهی سیاسی شهروندان و به تبع آن، رشد انگیزه‌های سیاسی

ج) سازماندهی و رهبری نیروهای مخالف دولت (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۸).

شهروندان این جوامع، با قرار گرفتن در معرض وجوه عقلانیت ارتباطی و بهره مندی از فضای گفتگوی آزاد، به تدریج نسبت به مسائل سیاسی حساسیت و آگاهی بیشتری یافتند. رسانه‌ها و امکانات ارتباطی، با فراهم کردن بستر تعاملی امن برای چرخش و توزیع اطلاعات میان شهروندان، انگیزه‌های آنها را برای مشارکت سیاسی ارتقا دادند و با گسترش دایره شمول نیروهای معترض در حوزه عمومی مجازی، با توزیع فراگیر و سریع اطلاعات، آنها را در برابر نهاد دولت، سازماندهی و رهبری نمودند. در زیر، مدلی تهیه شده است، که به صورت خلاصه، روند نظری این تحولات را نشان می‌دهد. افراد با بهره گیری از قدرت رسانه‌ای و فضای مجازی، برای دستیابی به حقوق سیاسی خود، سازماندهی و هماهنگ می‌شوند.

این امر بر ارزش رسانه‌های اجتماعی در خلق شبکه‌هایی تاکید می‌کند که توانستند ارتباطات برابر و همسانی را بین کاربران فراهم نماید خصوصا از آنجا که این شبکه‌ها نظام‌های ارتباطی چند وجهی هستند که دربرگیرنده روابطی می‌باشند که اتحادها و پیوستگی‌های پویا، سازگار، مبرم و انعطاف پذیر را ممکن ساخت (howard, 2011). رسانه‌های اجتماعی مختلف به انواعی مختلفی از شبکه‌ها خودشان را معطوف می‌کنند. برای مثال، فیس بوک مبتنی بر پیوندها و ارتباطات با افراد و دوستانشان است جایی که گوگل و توئیتر به هر فردی امکان می‌دهند تا درباره یک موضوعی نظر یا کامنت خود را ارائه دهند. توئیتر به کاربران امکان می‌دهد تا موضوعی را

برای بحث ایجاد کنند و کامنت بگذارند. لذا ابزارهایی مثل توئیتر منجر به خلق محیطی شدند که بهترین ایده‌ها و محتوا صرفا نظر اینکه چه کسی آن را پست کرده است می‌تواند گسترش یابد و تاثیر زیادی بر نوع از شایسته سالاری ایده‌ها و اطلاعات دارد (maher, 2011). با ترکیب و تلیق این نقش‌های متفاوت رسانه‌های آنلاین در یک شبکه ارتباطی موثر در طی انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱، درک این امر به خوبی اسان است که چطور فعالان جامعه عرب در نبرد خود بر علیه رژیم‌های فاسد و دیکتاتور به صورت آنلاین و افلاین برنده شدند. همه رسانه‌ها به خصوص وبلاگ‌های سیاسی نقش مهمی را در طول (نقش‌های سازماندهی و ابزاری) انقلاب‌های عربی ایفا کردند) آنها توانستند محلها و راههایی را برای تبادل ایده‌ها و فرموله بندی افکار عمومی جمعی فراهم کنند. رسانه‌های مختلف به خصوص وبلاگ‌های سیاسی از مدتها قبل (حدود ۷ سال گذشته) راه را برای فوران خشم انقلابی مردم عرب علیه رژیم‌های خود فراهم کردند در طی این سال‌ها آنها به پخش و گسترش گفتمان ضد دولتی پرداختند و سوء عملکردها و ضعف‌های رژیم‌های عربی را آشکار ساختند از جمله اینکه آنها در طی این سال‌ها به آشکارسازی فساد، نقض‌های مکرر حقوق بشر و محدودیتهای اعمال شده بر علیه آزادی مردم و پرتیس‌ها یا عمل و کنش دموکراتیک مردم پرداختند. شبکه‌های اجتماعی به ویژه وبلاگ‌های سیاسی پنج نقش مهم را در تحولات بهار عربی (بیداری اسلامی) ایفا کردند: این شبکه‌ها و رسانه‌ها به صورت ابزار موثر برای حمایت از ظرفیتهای فعالان دموکراتیک عمل کردند. آنها امکان تشکیل مجامع یا محل‌های اجتماع بحث ازادانه و فرصت‌های شبکه

را بر بیدارسازی و جلب صداهای خاموش (مردم منفعل) تمرکز کردند و روایت‌های جعلی حکومت‌های عربی درباره داستان اعتراض آنها و حقایق و رویداد جامعه ایشان را از طریق تاکید بر اراده خودشان و حفاظت از حقوق سیاسی خودشان افشا نمودند. پس نقش مهم وبلاگ‌های سیاسی این بود که آنها توانستند محل و فضای گردهمایی و تبادل را فراهم کنند که با مقاومت و توانمندسازی یا قدرت بخشی به مردم اجرا و تبلور یافت (el-nawawy and khamis, 2014, 87-143).

### نتیجه‌گیری

اگرچه تحولات سیاسی خاورمیانه را نمی‌توان تنها به متغیرهایی تسریع کننده مثل ابزار ارتباطی نسبت داد، ولی وقتی صحبت از حوزه عمومی و وجوه عقلانیت ارتباطی می‌شود، یک متغیر مستقل مهم به نام افزایش آگاهی سیاسی را نمی‌توان نادیده گرفت. این امری طبیعی است که جوامع با گذشت زمان، صاحب آگاهی بیشتری نسبت به قبل شوند، اما، هنگامی که تغییرات سیاسی و اجتماعی بزرگ و ناگهانی رخ می‌دهند، دیگر نمی‌توان تنها به عامل گذشت زمان تکیه کرد. افزایش وجوه عقلانیت ارتباطی در یک جامعه، به منزله برتری یافتن گفتگو بر سایر روش‌های پیگیری اهداف سیاسی و اجتماعی است. دموکراسی رایزنامه، با به نمایش گذاشتن قابلیت‌های خود، افراد جامعه را به سمت تشکیل گروه‌ها و حلقه‌های تعاملی گفتگو و در نهایت بازسازی حوزه عمومی هدایت می‌کند. حوزه عمومی را می‌بایست در شکل موجودی به حساب آورد، که تغذیه آن، گفتگوی آزادانه و به دور از سلطه و اقتدار می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی قیام‌های عربی به خصوص در یمن

بندی سیاسی را فراهم کردند. یک فضای مجازی برای گردهمایی را فراهم نمودند که در آن تبادل گفتمان مدنی، مشاوره و تولید گفتار ممکن شد؛ که این فراتر از حمایت ساده از توانمندی معترضین برای برنامه ریزی، سازماندهی و اعتراضات مسالمت آمیز در صحنه میدانی بود. این وبلاگ‌های سیاسی و رسانه‌های جدید محلها و فضایی گردهمایی را برای ژورنالیسم شهروندی فراهم نمودند که طی آن شهروندان عادی توانستند اعتراضات خود و مردم منطقه، شهر و محله خود را مستندسازی و فیلم برداری کرده و نیز دلایلی را که منجر به شکل‌گیری این اعتراضات شده بود را از جمله سببیت و بی‌رحمی دولت‌ها، محدودیتهای آزادی بیان، نواقصات و سوءکارکردهای نظام سیاسی آنها، فساد مقامات دولتی و اداری و نقضهای مکرر حقوق بشر را ذکر و پخش کردند. رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی همچنین به فعالان سیاسی و رسانه‌ای (معترضان) امکان داد تا این گفتارها و پیامها را برای همدیگر و نیز برای جهان بیرون پخش نمایند. از این طریق بود که مردم جهان عرب به خصوص کشورهایی که بیداری عربی را تجربه کردند توانستند وارد نبرد ارتباطی و سیاسی شوند تا دستورالعملهای خود را بر دولت‌های سرکوبگر عربی تحمیل کنند و مطمئن شوند مطالباتشان محقق می‌شود و سعی کردند تا از این طریق شنیده شوند در حالی که رژیمهای عربی اقدامات مختلفی را برای مسدودکردن جریان اطلاعات و تلاشهای بسیج سازی مردمی انجام دادند. رژیمهای عربی سعی کردند تا سرکوب معترضان در خیابان‌ها را با سرکوب حقایق و واقعیت‌ها در رسانه‌های اجتماعی ترکیب کنند با این وجود مردم مصر و جهان عرب مقاومت کردند و تلاشهای خود

و مصر این بود که این قیمتها توسط احزاب سیاسی یا رهبران برجسته و مشهور و جا افتاده هدایت نمی شدند. ما در دنیای جدیدی زندگی می‌کنیم که یک انقلاب اطلاعات در آن به وجود آمده است که تأثیرات آن هنوز کاملا درک نشده است. این انقلاب اطلاعاتی مردم و حوزه عمومی را توانمند و قدرتمند ساخته، و وابستگی اطلاعاتی آن به دولت‌های عربی کاهش یافته و ابزارهای جدیدی را درباره بسیج مردم بدون نیاز به سازمان‌های سیاسی سنتی فراهم ساخته است. همچنین تعداد افرادی که به طور روزانه یا چندین بار در هفته از اینترنت استفاده می‌کنند از ۳۳ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید و تعداد افرادی که هرگز از اینترنت استفاده نکرده بودند از ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۲۸ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید (Telhami, 2011, 13-15).

نظرسنجی افکار عمومی مردم عرب در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که اغلب پاسخ دهندگان اعلام کردند که اولین منبع خبری آنها تلویزیون‌های ماهواره‌ای بیرون از کشورشان بوده است. تلویزیون‌های ماهواره‌ای توانایی دولت‌های عربی برای کنترل روایت رسمی سیاسی آنها را محدود کردند و اعتبار رسانه‌های دولتی محلی را زیرسوال بردند. همانطور که مایک دورعان مطرح می‌کند تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اینترنت، رسانه‌های اجتماعی و دیگر فناوری‌های اطلاعاتی انحصار دولت‌های عربی بر اطلاعات را از بین بردند یا دور زدند. در جوامع عربی خاورمیانه، که امکان گفتگوی آزاد مهیا نبود و هر اقدامی در جهت آزادی، محکوم به برخورد شدید بود، نیروهای سیاسی و اجتماعی این جوامع، راه نجات را در بازسازی حوزه عمومی به شکل مجازی یافتند. علت این انتخاب، گسترش و پیشرفت فضای مجازی و

وجود امنیت نسبی در آن بود. بنابراین، عرصه گفتگوی آزاد، در جایی که خارج از اقتدار دولتی است، مهیا شد و به دلیل قابلیت فراوان رسانه‌های جدید، حوزه عمومی مجازی رشد سریع و دامنه شمول زیادی را در بر گرفت. در کشورهایی که حتی یک انتقاد ملایم از حکومت می‌تواند منجر به مجازات سنگین شود، فعالیت آنلاین در عمل فقدان نهادهای سیاسی مشارکتی را جبران می‌کند. اعتراض سایبری هیچ بدیلی برای مخالفت ندارد. قطعاً منجر به ایجاد یک حیات سیاسی آزادتر می‌شود، تشکیل یک فرهنگ اپوزیسیون را تسهیل می‌کند به واسطه وجود امنیت نسبی بر روی اینترنت، نارضایتی‌ها و شکایتهای مردم پخش می‌شود، ائتلافها و دستاوردهای عملی یکی می‌شوند و نمادها بسیار گسترش می‌یابند. از این رو، یکی از مهم ترین دستاوردهای سیاسی فعالیت‌های اینترنتی در مصر ایجاد فضای امن نسبی برای بیان مخالفت بر علیه وضعیت و نظم موجود در کشورشان در زمان مبارک بود.

#### منابع

- ۱- احمدی پور، زهرا؛ رشیدی، یونس. (۱۳۹۰)، بررسی نقش فضای مجازی در ساماندهی حرکت‌های اعتراضی خاورمیانه: مطالعه موردی مصر، ۱۳۹۰، ۱۸.
- ۲- برازجانی، مریم. (۱۳۹۰). نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در تحولات ژئوپلیتیک در خاورمیانه، ص: ۳۳
- ۳- بورن، آدر. (۱۳۷۹). بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه، ترجمه مهر سیما فلسفی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان صدا و سیما جمهوری

- ۱۳- محسنیان راد، مهدی، ۱۳۸۲، ارتباط شناسی، چاپ سوم، انتشارات سروش
- ۱۴- میرزاده، مهدی، ۱۳۹۰، اهداف و اقدامات قلمروخواهان بازگیران سیاسی در منطقه خاورمیانه در پرتو بیداری اسلامی، ص: ۳۴۳
- ۱۵- نای جوزف (۱۳۷۸). قدرت در عصر اطلاعات از واقعگرایی تا جهانی شدن، مترجم سعید میرترابی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۶- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). اقتصاد، جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرحنو، تهران.
- ۱۷- لال، جیمز، (۱۳۷۹). رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ رهیافتی جهانی، ترجمه مجید نکودوست، انتشارات موسسه ایران
- ۱۸- هاو، ال. ای. (۱۳۸۷)، یورگن هابرماس، ترجمه جمال محمدی، تهران، نشر گام نو.
- ۱۹- هرسیج، حسین و حاجی زاده، جلال. (۱۳۸۹)، تبیین دموکراسی رایزنانه در اندیشه‌های فلسفی هابرماس، فصلنامه حکمت و فلسفه، سال ششم، شماره سوم.
- 20- Alterman, Jon B. (2004). **The Information Revolution and the Middle East**, 1-20.
- 21- Bensahel, Nora and Byman, Daniel L, (2004). **The Future Security Environment in the Middle East**, 220-240.
- 22- Doran, Michael S, (2011). **The Impact of New Media: The Revolution Will Be Tweeted**, pp: 39-48.
- 23- Elstub, Stephen, (2010). **The Third Generation of Deliberative Democracy**, Political Studies Review: VOL 8.
- 24- [http://goftomanedini.com/showthread.php?T=\(2531](http://goftomanedini.com/showthread.php?T=(2531)
- اسلامی ایران، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- ۴- حمیرا مشیرزاده و نبی الله ابراهیمی (۱۳۸۹). تحول مفاهیم در روابط بین الملل، چاپ اول، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- خانی‌ها، نسرین، وهمکاران، (۱۳۹۰)، مطالبات اجتماعی و تحولات ژئوپلیتیکی شمال آفریقا، ص: ۳۶۲.
- ۶- راش، مایکل. (۱۳۸۸)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر سمت.
- ۷- ریتزر، جرج. (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی دردوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ۸- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ۹- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰)، اقتصاد، جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات طرح نو.
- ۱۰- کیویتسو، پیترو. (۱۳۸۰)، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۱- گیبینز، جان. (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، چاپ اول، تهران، انتشارات گام نو.
- ۱۲- لال جیمز. (۱۳۷۹)، رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ رهیافتی جهانی، ترجمه مجید نکودوست، تهران، انتشارات مؤسسه ایران.

- spheres. *Communication Yearbook* ,34 , 277° 316.
- 39- -Khazen , J. ( 1999 ). **Censorship and state control of the press in the Arab world(societies)**
- 40- -lynch,marc ,2014,**the arab uprisings explained, new contentious politics in the middle east**,93-99
- 41- -Maher , K. ( 2011 ). Interview with Frog Design (Video). Retrieved from [http://www.youtube.com/watch?V=zulsofz-Kqs&feature=player\\_embedded](http://www.youtube.com/watch?V=zulsofz-Kqs&feature=player_embedded)
- 42- -Manrique, M. And Mikail, B. (2011). **The Role of New Media and Communication Technologies in Arab Transitions**. FRIDE: Policy Brief 106. Available at: [http://fride.org/publication/965/the\\_role\\_of\\_new\\_media\\_and\\_communication\\_technologies\\_in\\_arab\\_transitions](http://fride.org/publication/965/the_role_of_new_media_and_communication_technologies_in_arab_transitions) [last accessed 5 June 2012].
- 43- -Melucci, Alberto. (1989) **Nomads of the Present** Lodon: Hutchinson Radius.
- 44- -Ramadan,tariq,2012,**islam and the arab awakening**,pp: 45-49
- 45- -Seib , P. ( 2004 ° 2005, Winter). **The news media and the clash of civilizations**.
- 46- -Seif El-Dawla , A. S. ( 2009 ). **Torture: A state policy**. In R. El-Mahdy & P. Marfleet (Eds. ), Egypt: The moment of change (pp. 120° 135). London: Zed Books.
- 47- -Telhami, shibley,2011, **arab public opinion, what do they want?**P: 13-15
- 48- -Tilly, C. (1978). **From Mobilization Revolution**, Addison Wesley. London.
- 49- --United Nations (2006); **Millennium Development Goals Report**, (World Population Prospects New York: unitednations, Warfare monitor. Retrieved from <http://www.infowar-monitor.net/>
- 50- -York , J. (Winter/Spring 2012 ). **The Arab digital vanguard: How a decade of blogging contributed to a year of revolution**. Georgetown Journal of International Affairs , 13 (1), 33° 42.
- 51- -Zayani , M. ( 2011 , Summer). **Social media and the reconfiguration of political action in revolutionary Tunisia**. Democracy & Society , 8 (2), 2° 4.
- 25- Jamal, Amal, (2011). **The Arab Public Sphere. Media Space and Cultural Resistance**. pp:1-120
- 26- Owen, David S. (2001), David Review Essay: **Deliberative Democracy, Philosophy & Social Criticism**, vol 27. No 5.
- 27- -Aarts, paul, and et all. 2013,**from resilience to revolt, making sense of the arab spring**,press university of Amsterdam,pp:1-126
- 28- -El-Mahdy , R. , & Marfleet , P. ( 2009a ). **Introduction**. In R. El-Mahdy & P. Marfleet (Eds.), **Egypt: The moment of change** (pp. 1° 13). London: Zed Books
- 29- -El-Naggar , A. ( 2009 ). **Economic policy: From state control to decay and corruption**. In R. El-Mahdy & P. Marfleet (Eds. ), Egypt: **The moment of change** (pp. 34° 50). London: Zed Books.
- 30- -Gelvin , J. L. ( 2012 ). **The Arab uprising: What everyone needs to know**. London: Oxford University Press.
- 31- -Ghannam , J. ( 2011 ). **Social media in the Arab world: Leading up to the uprisings**
- 32- Gurevitch, M. , Bennett, T. , Curran, J. & Woollacott, J. (1995) **Culture,Commerce, Society and the Media**, London: Routledge.
- 33- Habermas, Jurgen, (1972). **Knowledge and Human Interests**, trans. Jeremy Shapiro, Heinemann, London. pp:2-58
- 34- -Hamelink , C. J. ( 2004 ). **Human rights in the global billboard society**. In D. Schuler & P. Day (Eds. ). **Shaping the network society: The new role of civil society in cyberspace** (pp. 67° 81). Cambridge, MA: The MIT Press.
- 35- -Hassan , H. ( 2010 , December). **State versus society in Egypt: Consolidating**
- 36- -Howard , P. N. ( 2004 ). **Embedded media: Who we know, what we know**,Internet in context (pp. 1° 27). California: Sage Publications.
- 37- -Khalid , M. ( 2007 ). **Politics, power and the new Arab media**. In Information
- 38- Khamis, S. , & Sisler , V. ( 2010 ). **The new Arab “cyberscape”: Redefining boundaries and reconstructing public**